

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فلسفه هنر

زیبایی‌شناسی پسامدرن: تجربه امر والا

(بررسی آراء ژان - فرانسوا لیوتار و جرمی گیلبرت - رُلف)

حامد عزیزیان گیلان

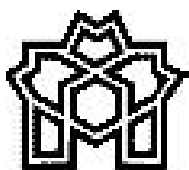
استاد راهنما:

دکتر حسینعلی نوذری

استاد مشاور:

دکتر علی اکبر احمدی افرمجانی

بهمن 1390



کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها

عنوان:	زیبایی‌شناسی پسامدرن: تجربه امر والا (بررسی اندیشه های ژان-فرانسوا لیوتار و جرمی گیلبرت-رئلف)
نویسنده/محقق:	حامد عزیزیان گیلان
استاد راهنما: دکتر حسینعلی نوذری	استاد مشاور: دکتر علی‌اکبر احمدی افرم‌جانی
استاد داور: دکتر امیر نصری	
مترجم:-	
کتابنامه:-	واژه نامه:-
نوع پایان نامه:	بنیاد <input checked="" type="checkbox"/> توسعه‌ای <input type="checkbox"/> کاربردی <input type="checkbox"/>
مقطع تحصیلی:	کارشناسی ارشد سال تحصیلی: 90-1389
محل تحصیل:	تهران نام دانشگاه: علامه طباطبائی دانشکده: ادبیات و زبان های خارجی
تعداد صفحات:	387
کلید واژه‌ها بزبان فارسی:	گروه آموزشی: فلسفه
والای پسامدرن، زیبایی‌شناسی، امر غیر قابل‌نمایش، والای تکنولوژیک، سپیدی، ژان-فرانسوا لیوتار، جرمی گیلبرت-رئلف	

کلید واژه‌ها به زبان انگلیسی:

**Postmodern Sublime ,Aesthetic, Unpresentable, Techno-Sublime,Blankness, Jean-François Lyotard, Jeremy Gilbert – Rolfe**

## چکیده:

**الف. موضوع و طرح مسئله. (اهمیت موضوع و هدف):**

امر والا یکی از تعابیری است که به واسطه‌ی ابهام مندرج در ساختار معنایی و ریشه‌شناسانه‌اش، همواره و در نسبت‌های ضد و نقیضی که با چارچوب‌های فلسفی، هنری، سیاسی و... برقرار می‌کند به نوعی عدم تعین و فقدان ادراکی و فراروندگی دلالت می‌نماید. کانت و برک والا را از زیبا مجزا می‌کنند و آن را با فقدان صورت، بیکرانی، وقفه و ابهام مرتبط می‌سازند. پس از آنان والا رفته رفته با اندیشه ورزی عقلی مذکر و سوژه‌ای خود آیین مرتبط می‌شود، از این رو آنچه که در سنت ایده آلیسم فلسفی آلمان آشکار می‌گردد تلاش برای تحلیل تجربه‌ی امر والا به مثابه حالتی از آگاهی یکپارچه است که به موجب آن حیث ایده‌ای و استعلایی والا بیش از پیش مستحکم می‌شود. با این حال استحکام این جایگاه در میان متفکران موسوم به پسامدرن فرومی‌ریزد، زیرا نزد آنان والا دیگر مسأله‌ای استعلایی نیست بلکه بیش از هر چیز شکافی را میان اخلاق و معرفت به تصویر می‌کشد و حالتی توأم با تعلیق و عدم تعین بازنمایی است. ژان-فرانسوا لیوتار متفکر نامدار فرانسوی، نخستین اندیشمندی است که والا‌ی پسامدرن را به یکی از وجوه کلیدی اشتغال به پیرایبایی شناسی پسامدرنیسم تبدیل کرد. وی ضمن باز-تحلیل بهجت ذهنی والا‌ی کانتی و احساس فقدان مندرج در والا‌ی گوتیک برک، امر والا را در کنار رویداد هنری آوانگارد و در پیوند با امر ناسازگار، تخالف و قیاس ناپذیری یا غیر قابل مقایسه بودن کنش‌ها و رژیم‌های جمله‌ای، بازی‌های زبانی و... قرار داد و از آن با عنوان نوعی غیاب یا امر غیر قابل نمایش یاد کرد. لیوتار ضمن تأکید بر زیبایی زدایی، پیرایبایی شناسی پسامدرن را مبتنی بر امر والا دانست و بدین ترتیب بر خلاف نظر کانت آن را در عرصه‌ی کنش‌های هنری صورت‌زدا و نابازنمایانه‌ی آوانگارد جست و جو کرد. نظریات لیوتار درباره‌ی امر والا‌ی پسامدرن، تأکید بر خوانشی فرهنگی از ابژه‌ی هنری و اهمیت زیبایی زدایی، انتقاداتی را بیش‌تر از سوی اندیشمندان و نظریه پردازان خواهان بازگشت به زیبایی و احیای پسامدرنیسم زیبایی شناختی برانگیخته

است. از سوی دیگر جرمی گیلبرت -رُلف، نقاش، نظریه پرداز و منتقد نامدار آمریکایی بریتانیایی تبار، نیز همچون لیوتار، به بازخوانی سنت زیبایی شناسی برک و کانت درباره امور زیبا و والا می پردازد با این تفاوت که رویکرد وی مبتنی بر رابطه‌ی زیبا و والا، احیای امر دیداری در هنر و توجه به حیث مستقل از فرهنگ و سیاست ابژه‌ی هنری است. گیلبرت -رُلف ابتدا بر سنتی که سعی در حذف امر زیبا در هنر معاصر داشت و به عبارتی متکی بر نوعی ژهد گرایی و زیبایی زدایی است، نقدهایی اساسی وارد می کند؛ از نظر وی هنر مدرن همواره با امر زیبا به سان یک ناسازه مواجه بوده است. به نظر گیلبرت -رُلف، لیوتار سعی می کند دو نوع پسامدرنیسم زیبایی زدا و زیباشناسیک را به یکدیگر پیوند زند اما در نهایت و به واسطه‌ی اینکه والا را به ایده‌ی غیاب امر غیر قابل نمایش ارجاع می دهد و بر تفکیک بنیادین رویداد از رخداد اصرار می ورزد؛ همچنان ضد زیبایی شناسیک باقی می ماند. از نظر گیلبرت -رُلف اکنون نمی توان مانند قرن هیجدهم طبیعت را جایگاه امر والا تصور کرد، بلکه بیش از هر چیزی دیگری تکنولوژی بیانگر آن است. تکنولوژی نامحدود است و ما همچنان با آگاهی از عقلانی بودن آن، از ادراک آن ناتوانیم. در این حالت طبیعت بدل به امری محدود و متناهی شده است و امر والا نیازمند بی حد و مرزی تکنولوژی است و ما به حضور تکنو والا پی می بریم. گیلبرت -رُلف ضمن توجه به زیبایی به مثابه عاملی فروپاشنده و سبکسر، خواهان بازخوانی هنر بر حسب آشکارگی زیبایی است. این تحقیق ضمن بررسی دگردیسی معنایی امر والا، جایگاه آن را در آراء لیوتار و گیلبرت -رُلف مورد بررسی قرار می دهد.

#### **ب. مبانی نظری: شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری، پرسشها و فرضیه ها:**

با توجه به این مقدمه هدف این رساله خوانش دو چهره‌ی متفاوت از امر والا‌ی پسامدرن یعنی والا‌ی نازیباشناختی و والا‌ی زیباشناختی است تا به واسطه‌ی این امر، ضمن بررسی تفسیرهای لیوتار و گیلبرت -رُلف از هنر، چگونگی رویکرد آنان به آراء کانت و برک نیز مورد توجه قرار گیرد. همچنین ضمن بررسی میزان شباهت ها و تفاوت های نظریات این دو، به بررسی نقد گیلبرت -رُلف از لیوتار درباره‌ی آثار بارنت نیومن، نقاش آمریکایی نیز پرداخته می شود. فرض این رساله بر این است که امر والا‌ی پسامدرن در هر دو شکل زیباشناختی و زیبازدای خود، نوعی آشفتگی و اختلال در شیوه‌ی ادراک و فهم را منجر می شود. امر والا‌ی زیبازدا، علی رغم ایجاد آشفتگی ادراکی، همچنان خود آیین بوده و در خدمت ایده‌ی اخلاقی و غیاب امر غیر قابل عرضه می ماند و در بطن تفکر انتقادی متأملانه جای دارد حال آنکه والا‌ی زیباشناختی به واسطه‌ی برقراری ارتباط با زیبای سبکسر، خود آیین -دیگر آیین است چنانکه غیاب امر غیر قابل نمایش را به حضور آشکارگی سپیدی تبدیل می کند.

**پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه گیری و روشهای نمونه**

## گیری، ابزار اندازه گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها:

روش تحقیق این رساله نظری و کتابخانه ای است و در برخی موارد نیز از پایگاههای الکترونیکی استفاده شده است. در این رساله حتی الامکان سعی شده که محورهای بحث در وهله اول با رجوع به آثار اصلی کانت، برک، لیوتار، گیلبرت-رلف و دیگر متفکران مطرح شده و سپس شرح ها و مقدمه های معتبر دیگران مورد بررسی قرار گیرند. همچنین در مواردی نیز بر حسب سلیقه‌ی نگارنده، به نمونه هایی از آثار هنری اشاره شده است.

## ت. یافته های تحقیق:

هدف لیوتار از جستجوی والا، تبیین تجسمی آثار هنری یا توجه به آشکارگی متناقض محسوس-نامحسوس نیست بلکه وی با در نظر گرفتن این آثار به عنوان ابزاری ذیل تفکر متأملانه، آنها را به شواهدی برای کشف تفاوت‌های موجود میان مراتب گفتمانی، بازیهای زبانی و قیاس‌ناپذیری کنش‌های سیاسی، فرهنگی و اخلاقی تبدیل می‌کند. لیوتار با تأکید بر ایده‌ی نامتعیین، لزوم برقراری تفاوت میان رویداد و رخداد، نسبت دادن رنگ به زمان رویدادی، همچنان به اندیشه‌ی مدرن متأخر وفادار می‌ماند، از این رو به نظر او هرگونه اختلالی در قوانین ژانر به یاری ایده‌ی امر غیر قابل عرضه و نامتعیین ممکن است. لیوتار ضمن بررسی والا در نظریات ایمانوئل کانت و ادمند برک، همواره مجذوب نقش‌آفرینی متناقض‌نمای آن در چارچوب اندیشه، هنر و فرهنگ به طور عام و قالب‌های گفتمانی، ژانر و رژیم‌های جمله‌ای و بازیهای زمانی به طور خاص، بوده است. از این رو تجربه‌ی ساحت‌های والا در اثر هنری با امکان تکرار بازی نامحدود غیاب و امر غیر قابل عرضه‌ای در تعامل است که بر فاعلیت رویداد صحنه بگذارد یعنی آنچه که گواهی بر وجود تخالف‌هاست و قابلیت تبدیل به نشانه‌های فرهنگی و تاریخی را دارد؛ فضایی لبریز از عوامل متاستازیک و نامرئی که در بطن خودآیینی سوژه حرکت می‌کند و انتزاعی باقی می‌ماند. چنین چیزی احساس امر والای بی‌صورتی است که در برابر صورت‌بندی به مقاومت می‌پردازد. حرکت هریک از امور ناسازگار در این فضا، امکان برآمدن و ایجاد چیزی جدید گواهی می‌دهد؛ از این رو چنین فضایی تفاوت‌های موجود میان مراتب گفتمانی، بازیهای زبانی و قیاس‌ناپذیری کنش‌های سیاسی و اخلاقی را بر جسته می‌کند. فضای ناشی از تخالف در عرصه‌ی سیاست و فرهنگ در فرآیند خلاقیت هنری و اندیشه‌ی متأملانه، به شکل ورطه‌ای ژرف در تجربه‌ی والا در می‌آید. با این حال ناگفته باقی‌ماندن صیوررت امر غیر قابل نمایش در اندیشه‌ی لیوتار، کمکی به حضور والای هنری نامتعیین نمی‌کند. لیوتار در عین حال که اهمیت امر انگاره‌نمای بصری در عرصه‌ی را هنر مورد تأکید قرار می‌دهد اما این تأکید کمکی به رهایی هنر از ایده‌ی غیر قابل عرضه نمی‌کند. سیطره‌ی سیاسی و زبانی رویداد لیوتاری بر اُبژه‌ی هنری، تنها وجه خودآیین و زیبایی‌زدای والا را آشکار می‌سازد. با توجه به این

مسأله جرمی گیلبرت-رُلف هنرمند و نظریه‌پرداز آمریکایی انگلیسی تبار، به آسیب‌شناسی امر والای پسامدرن در هنر می‌پردازد.

گیلبرت-رُلف ضمن اتخاذ نگرشی پساتاریخی، خواهان بازگشت به اموری همچون زیبا، مرئی، رتینال یا چشمی و ریخت‌شناسی ابژه‌ی هنری است. به نظر گیلبرت-رُلف مشکل دنیای هنر زمانی آغاز شد که مارسل دوشان کمر به قتل ابژه‌ی هنری و ادراک انضمامی آن زد. دوشان با دگردیسی چشم به ایده‌ی عقلی و تبدیل امر رتینال (دیداری) به *ایتلکچوئل* (عقلانی) راه را برای دسته‌ای از اندیشمندان نظریه‌ی فرانسوی هموار ساخت که امر مرئی یا محسوس را به امری خوانا تقلیل دادند. اینان بیش از آنکه به حضور مستقل و نابازنمایانه‌ی اثر هنری توجه کنند، آن را در حدِ بازنمایی روابط دانش و قدرت یا اثری خوانشی تقلیل دادند. تقلیل‌گرایی نظریه‌ی فرانسوی منجر به نوعی نگرش ضد زیبایی‌شناختی شد و با جدیت نقادانه و سازمانی اندیشه‌های چپ نو تعامل برقرار کرد و در واقع بر دنیای هنر اعمال قدرت کرد و آن را ذیل فرهنگ و نوعی رئالیسم سیاسی و سازمانی کشاند. به عنوان مثال، هنر مفهومی با نابودی احساس سرخوشانه‌ی ناشی از دیدن ابژه‌ی هنری، خوانش آن را در اولویت قرار می‌دهد. گیلبرت-رُلف بر خلاف ژان-فرانسوا لیوتار، نه تنها به زیبایی‌زدایی اعتقادی ندارد، بلکه تلقی‌های عموماً منفی از زیبا را به خصلت سبکسری، فریبندگی و زنانه‌ی آن نسبت می‌دهد. از نظر وی زیبایی به خاطر اینکه در برابر گفتمان مقاومت می‌کند، تصویری باقی می‌ماند و همواره قدرت و عقل را به بازی می‌گیرد، قابل توصیف در چارچوب ایده‌های عقلانی یا آرمانهای اخلاقی نیست. گیلبرت-رُلف با توجه به تفسیر دُلوز از صیوریت حیاتی و نقش‌آفرینی تأثری آن و رابطه‌ی پارارگونی زیبا و والا در اندیشه‌های دریدا، بر این باور است که تنها می‌توان به واسطه‌ی تصویر به زیبا اندیشید زیرا زیبا خود تصویری است و در برابر عامل دیداری خودش را می‌نماید از این رو به ایده فروکاسته نمی‌شود. به نظر گیلبرت-رُلف، کانت هرچند سبکسری زیبایی را در نیافت اما با توصیف آن در قاب صورت و بازی سرخوشانه‌ی متخیله و فاهمه حیث تصویری آن را مد نظر قرار داد چنان که بر این باور بود که بر خلاف والا، زیبا در عرصه‌ی هنر دست‌یافتنی است. گیلبرت-رُلف از پسامدرنیسمی زیبایی‌شناختی سخن می‌گوید که در آن کنش‌های هنری در مقام شور و احساسات و ادراک‌حسی و نه ایده و تاریخی‌گرایی ایدئولوژیک حضور دارند بدین ترتیب می‌توان از ظهور یک پسازیباشناسی، پس از سوژه‌ی مدرن سازمانی شده خبر داد. در این پسازیبایی‌شناسی، امر والا حیث قدرت، نرینگی و خودآیینی خود را فرو می‌کاهد و جویای برقراری اتصال با زیبای سبکسر و فریبنده‌ای می‌شود که ناتراگذار است. والا با تعقیب زیبا به امر تراگذار و متعدی، پرخاشگر-منفعل و آندروجین تبدیل می‌شود و هر دو حیث میل به محدود-نامحدود، محسوس-نامحسوس شدن را آشکار می‌کند. از نظر گیلبرت-رُلف با توجه به دگرگونی طبیعت آلی

به طبیعتی تکنولوژیک، می‌توان از تجربه‌ی والای تکنولوژیک، آندروجین، منفعل-پرخاشگرانه‌ای سخن گفت که خود را در همزمانی و دیرش آشکار می‌کند. از این رو دیگر نمی‌توان نقش آفرینی محسوس و نامحسوس فضای الکترونیک را نادیده گرفت و در چنین فضایی است که تجربه‌ی والا از خودآیینی قرن هیجدهمی و مدرنیستی فراتر می‌رود. والای آندروجین گیلبرت-رُلف به یاری دیرش و درخشش سپیدی و نانوشستگی، امر غیر قابل نمایش را نشان می‌دهد؛ از این رو آنچه که سبب اخلاص‌گری در ژانرهای هنری می‌شود، بازخوانش مجدد آثار هنری، با توجه به آشکارگی سپیدی یا تهی‌مندی و توجه به نقاشی به مثابه بدنی انضمامی و لبریز از سبکسری و فریبندگی رنگ است. از این رو در بازخوانی آثار، نکته‌ی مهم توجه به در هم شکستگی مناسبات از پیش مقرر رنگ و خط، سطح و ژرفا و ... است. بدین ترتیب در بازخوانی آثار هنری ضروری است که به سیوروت پساتاریخی پوشیدگی، شفافیت و زرق و برق سپیدی توجه کرد که همواره آن را از سطحی نامحدود و نانوشته و بدون بعد به سطحی محدود تبدیل می‌کند، سیوروت سپیدی یا تهی‌مندی، در عصر تکنولوژیک دو ساحت در هم تنیده‌ی والا یعنی حرکت همراه با انحراف و پیچش محدود-نامحدود را برای پسانسانی آشکار می‌کند که دیگر و امدار دلشوره‌ی انسان نانسانی لیوتاری، که در اصل در طبیعت می‌زید نیست.

### ث. نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

ژان فرانسوا لیوتار و جرمی گیلبرت-رُلف دو تن از اندیشمندان و نظریه پردازان معاصر با دو رویکرد متفاوت به بررسی والا پرداخته اند. لیوتار ضمن نادیده گرفتن نقش آفرینی زیبا، نقش آفرینی امر والا را در نسبت با عوامل متاستازیکی همچون، تخالف، رویداد، و نانسانی مورد نظر قرار می‌دهد آن را به منزله‌ی گواهی بر ایده‌ی نامتین، و همیشه غایب امر غیر قابل نمایش تأکید می‌کند در حالی که گیلبرت-رُلف، که نخستین بار در این رساله به خوانندگان فارسی زبان معرفی می‌شود، ضمن اشاره به لزوم بازگشت به زیبایی و بازخوانی آن به مثابه امری سبکسر، تصویری و انضمامی، به حضور والای آندروجینی تأکید می‌کند که جنبه‌ی ای پرخاشگر-منفعلانه داشته و با زیبا رابطه برقرار می‌کند. از این رو والا در بطن طبیعتی تکنولوژیک، حیثی تصویری می‌یابد و به کمک سپیدی یا نانوشستگی، از خود آیینی ایده‌ی عقلی به درآمده و غیاب امر غیر قابل نمایش را به حضوری محسوس-نامحسوس تبدیل می‌کند و مبتنی بر خودآیین-دیگرآیینی سوژه‌ای به نام پسانسان است.

نگارنده امیدوار است که این تحقیق راه را برای بررسی‌های مبتنی بر واکاوی اصطلاحات و تعابیر تخصصی فلسفه‌ی هنر بگشاید و ضمن معرفی آراء متفکرانی که در ایران چندان شناخته شده نیستند، خوانندگان و دانشجویان را با دیدگاه‌های متأخر زیبایی‌شناسی پسامدرن آشنا سازد.



صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می-  
نمایم.

نام استاد راهنما: دکتر حسینعلی نوذری

سمت علمی: استادیار

نام دانشکده:

امضاء:

تقدیم به مادرم که

شکوهمند زیست

و رفت.....

## سپاس:

نگارنده از پروفیسور جرمی گیلبرت-رُلف، استادِ آرت ستر پاسادانای کالیفرنیا به سبب توصیه‌های گرانقدر ایشان و نیز اجازہی استفادہ از آثارنوشتاری و تجسمی‌شان سپاسگزار است. ہمین طور از جناب آقای دکتر حسینعلی نوذری به خاطر پذیرش رسالہ و ارائہی تذکراتِ سودمند و نیز جناب آقای دکتر علی اکبر افرمجانی کہ با نگارنده کمالِ همکاری را نمودند، صمیمانه تشکر می‌کند.

## \*چکیده:

موضوع این رساله بررسی جایگاه امر والا در زیبایی و ادراک هنری پسامدرن است. امر والای پسامدرن به واسطه‌ی اینکه در ادراک هنری متعارف اختلال ایجاد می‌کند با صورت‌بندی مدرن آن که مبتنی بر خودآیینی، صیانت نفس و اقتدار سوژه است، متفاوت می‌نماید. ژان-فرانسوا لیوتار و جرمی گیلبرت-رئلف دوتن از اندیشمندان و نظریه‌پردازان معاصر، با دو رویکرد متفاوت به بررسی امر والا پرداخته‌اند. لیوتار ضمن نادیده-گرفتن نقش آفرینی امر زیبا، نقش آفرینی امر والا را در نسبت با عوامل متاستازیکی همچون تخالف، رویداد، و ناانسانی مورد نظر قرار می‌دهد و آن را به منزله‌ی گواهی بر ایده‌ی نامتعیین، و همیشه غایب امر غیرقابل نمایش مورد تأکید قرار می‌دهد؛ در حالی که گیلبرت-رئلف ضمن اشاره به لزوم بازگشت به زیبایی و بازخوانی آن به مثابه امری سبکسر، تصویری و انضمامی، به حضور والای آندروجینی تأکید می‌کند که جنبه ای پرخاشگر- منفعلانه داشته و با زیبا رابطه برقرار می‌نماید. از این رو والا در بطن طبیعتی تکنولوژیک، حیثی تصویری می‌یابد و به کمک سپیدی یا نانوشستگی، از خودآیینی ایده‌ی عقلی به درآمده و غیاب امر غیر قابل نمایش را به حضوری محسوس- نامحسوس تبدیل می‌کند و مبتنی بر خودآیینی-دیگرآیینی سوژه‌ای به نام پساانسان است.

## \*کلمات کلیدی:

والای پسامدرن، زیبایی‌شناسی، امر غیرقابل نمایش، والای تکنولوژیک، سپیدی، ژان-فرانسوا لیوتار، جرمی گیلبرت-رئلف

موضوع	صفحه
مقدمه.....	1
فصل اول: بررسی ریشه شناسی و مفهومی امر والا در بسترهای الهیات، هنر و روانکاوی.....	7
تعریف.....	8
2-1. امر والا در الهیات.....	15
3-1. امر والا در هنر.....	21
4-1. امر والا در روان کاوی .....	47
فصل دوم: سیوروت فلسفی -تاریخی امر والای پیشامدرن به والای پسامدرن.....	60
2-1. گُنگینوس :امر والا در فن بیان.....	61
2-2. ادْمند برک : تأملاتی درباره امر والا و زیبا.....	70
3-2. ایمانوئل کانت: تحلیل پیشانقدانه و نقادانه‌ی امر والا.....	81
4-2. امر والای مدرنِ پساکانتی.....	99
5-2. امر والای پسامدرن.....	111
فصل سوم: ژان - فرانسوا لیوتار.....	138
3-1: کلیات.....	139
3-1-1. زندگی و آثار.....	139
3-1-2. مروری بر اندیشه ها.....	143
3-2. آرای لیوتار درباره‌ی هنر و امر والا.....	180
3-2-1. اندیشه‌های هنری.....	180
3-2-2. امر والای پسامدرن و بازخوانی والای کانتی.....	212
3-2-3. رابطه‌ی امر والا با تخالف، رویداد و ناانسانی.....	237
فصل چهارم: جرمی گیلبرت -زُلف.....	265
4-1. کلیات.....	266

266.....	4-1-1. زندگی و آثار.....
270 .....	4-1-2. حرفه :نقاش / مروری بر آثار تجسمی.....
275.....	4-1-3. حرفه :منتقد و نظریه پرداز / مروری بر آثار نوشتاری و افکار.....
310.....	4-2. آرای زیبایی شناسیک درباره‌ی امر والا.....
310.....	4-2-1. نسبت امر زیبا و امر والا.....
325.....	4-2-2. خوانش امر والا‌ی آندروجین در هنر.....
342.....	4-2-3. امر والا‌ی تکنولوژیک.....
360.....	نتیجه گیری.....
369.....	فهرست منابع.....
382.....	تصاویر.....

## \* مقدمه:

بررسی چگونگی دگرگونی معنایی و اصطلاح شناسانه‌ی یک واژه یا تعبیر در عرصه‌های مختلف فکری و نظری سابقه‌ای دیرینه در مطالعات فلسفی و زیبا شناختی دارد. امر والا از جمله تعابیری است که به واسطه‌ی ابهام مُضمَر در ساختار معنایی و ریشه شناسانه‌ی آن، همواره و در نسبت‌های ضدو نقیضی که با چارچوب‌های فلسفی، هنری، سیاسی و... برقرار می‌کند از نوعی عدم‌تعیین، فقدان ادراکی و فراروندگی حکایت دارد. نگارنده در این رساله در تلاش است تا به ساحتی دوچهره از بررسی‌های معنایی و ریشه شناسیک اصطلاح امر والا در عرصه‌ی هنر و زیبایی‌شناسی توجه کند که ضمن اینکه ناظر بر یک حرکت وضعی منحرفانه است، تصور محدود را با همراهی ادراک نامحدود و حضور محسوس را توأم با احساس نامحسوس و بالعکس ناگزیر می‌کند. این ساحت در عرصه‌های الهیات، هنر و روان‌کاوی به شیوه‌هایی گوناگون والا را به مفهومی تبدیل می‌کند که ناظر بر وجود فراروی و پیچش‌های ادراکی، احساسی و ناشی از میل است. پی بردن به نام‌تعیین بودن معنای والا در زیبایی‌شناسی و فلسفه‌ی هنر، بدون بررسی موقعیت آن در بستر فلسفی ناممکن است. در واقع اگر بتوان لُنگینوس را نخستین کسی پنداشت که در صدد صورت بندی امر والا برآمده باید به موازات آن حیث اُبژکتیوی نیز برای والا در قالب اشکال نهان سخنوری تصور نمود که اگر چه خود را پنهان می‌سازند و قابل تعلیم نیستند اما می‌توان به یاری اندیشه‌ی عالی آن‌ها را لمس کرد، بدین ترتیب می‌توان چنین پنداشت که وجه اُبژکتیو ساحت دو چهره‌ی والا در قالب اعمال قدرت زبان و افسون اشیاء ظاهر می‌شود.

حرکت امر والا به سوی ساحت ذهنیت، ادمُند برک را وا می‌دارد که در تبیین خود، به احساسی توأم با وحشت و ارباب اشاره کند که ابژه‌های طبیعی از فاصله‌ای معین در انسان بر می‌انگیزند. بدین ترتیب لزوم حضور سوژه‌ای خودآگاه که بر تجربیات احساسی روان-تنانه‌ی خود متکی است و در حاشیه‌ای امن قرار

دارد، برای تجربه‌ی ابهام والا ضروری است زیرا برقراری رابطه میان سوژه و ابژه اگر با صیانت نفس همراه باشد به ادراک فقدان و والایی می انجامد. والای مدرن با طراحی کانتی سوژه‌ی خود آیین و مجهز به خرد-ورزی، از امری انضمامی به امری انتزاعی و تجربه‌ی ذهنی می انجامد و بهجتی ذهنی را بر می‌انگیزد. والای کانتی بیش از هر چیز دربردارنده و متضمن توانمندی‌ها و ظرفیت‌های ذهنیت و عقل انسان است و نوعی بنیان دوران‌دیشی عقلی را متجسم می‌کند. کانت و برک والا را از زیبا مجزا می‌کنند و آن را با فقدان صورت، بیکرانی، وقفه و ابهام مرتبط می‌سازند بدین ترتیب والا بیش از هر چیز با اندیشه ورزی عقلی مذکر و سوژه‌ی خود آیین مرتبط می‌شود، از این رو آنچه که در سنت ایده آلیسم فلسفی آلمان آشکار می‌گردد تلاش برای تحلیل تجربه‌ی والایی به مثابه حالتی از آگاهی یکپارچه است که به موجب آن حیث ایده‌ای و استعلایی والا بیش از پیش مستحکم می‌شود. با این حال استحکام این جایگاه در میان متفکران موسوم به پسا مدرن فرومی‌ریزد، زیرا نزد آنان والا دیگر مسأله‌ای استعلایی نیست بلکه بیش از هر چیز شکافی را میان اخلاق و معرفت به تصویر می‌کشد و حالتی توأم با تعلیق و عدم تعین بازنمایی است.

ژان-فرانسوا لیوتار متفکر نامدار فرانسوی، نخستین اندیشمندی است که والای پسامدرن را به یکی از وجوه کلیدی اشتغال به پیرایبایی شناسی پسامدرنیسم تبدیل کرد. وی ضمن باز-تحلیل بهجت ذهنی والای کانتی و احساس فقدان مندرج در والای گوتیک برک، امر والا را در کنار رویداد هنری آوانگارد و در پیوند با امر ناسازگار، تخالف و قیاس ناپذیری یا غیر قابل مقایسه بودن کنش‌ها و رژیم‌های جمله‌ای، بازی‌های زبانی و... قرار داد و از آن با عنوان نوعی غیاب یا امر غیر قابل نمایش یاد کرد. لیوتار ضمن تأکید بر زیبایی زدایی، پیرایبایی شناسی پسامدرن را مبتنی بر امر والا دانست و بدین ترتیب بر خلاف نظر کانت آن را در عرصه‌ی کنش‌های هنری صورت‌زدا و نابازنمایانه‌ی آوانگارد جست و جو کرد. وی با بررسی تجربه‌ی والا به عنوان آزمونی برای دگرگونی و تحول فرهنگی، ابژه‌ی هنری را ذیل نوعی رادیکالیسم فرهنگی قرار می‌دهد که در آن امر نازیباشناسیک عرصه‌ی ابداع، ابتکار و نوآوری است و میل فارغ و آزاد از قاعده یا اصل حقیقت عمل می‌کند. با این حال نظریات لیوتار درباره‌ی امر والا پسا مدرن، تأکید بر خوانشی فرهنگی از ابژه‌ی هنری و اهمیت زیبایی زدایی، انتقاداتی را بیش‌تر از سوی اندیشمندان و نظریه پردازان خواهان بازگشت به زیبایی و



احیای پسا مدرنیسم زیبایی شناختی بر انگیزه است. از سوی دیگر جرمی گیلبرت-رُلف، نقاش، نظریه پرداز و منتقد نامدار آمریکایی بریتانیایی تبار، نیز همچون لیوتار، به باز-خوانی سنت زیبایی شناسی برک و کانت درباره امور زیبا و والا می پردازد با این تفاوت که رویکرد وی مبتنی بر رابطه‌ی زیبا و والا، احیای امر دیداری در هنر و توجه به حیث مستقل از فرهنگ و سیاست ابژه‌ی هنری است. گیلبرت-رُلف ابتدا بر سستی که سعی در حذف امر زیبا در هنر معاصر داشت و به عبارتی متکی بر نوعی ژهد گرایی و زیبایی زدایی است، نقدهایی اساسی وارد می کند؛ از نظر وی هنر مدرن همواره با امر زیبا به سان یک ناسازه مواجه بوده است وی بر مبنای این موضع گیری نسبت به زیبایی، از دو گونه پسامدرنیسم نام می برد. گونه اول را می توان پسامدرنیسم ضد زیبایی شناسی گرایی دانست. در رویکرد ضد زیبایی شناسی علاوه بر اینکه اعتقاد بر این است که مدرنیسم دچار نابودی شده، (نقش) احساس نیز به صورت مطلق در بیان قضاوتها درباره ایده سرکوب شده و نادیده گرفته می شود. اما دومین پسا مدرنیسم همچنان بر پایه کنش، احساس و زیبایی شناسی استوار است و بر باز ابداعی و دوباره سازی زیبایی شناسی اصرار می ورزد، کاملاً برآمده از مفاهیم نیست و در آن راههای متفاوتی برای بیان و رسیدن به امر غیر قابل نمایش و نامودنی وجود دارند. به نظر گیلبرت-رُلف، لیوتار سعی می کند این دو نوع پسامدرنیسم را به یکدیگر پیوند زند اما در نهایت و به واسطه ی اینکه والا را به ایده ی غیاب امر غیر قابل نمایش ارجاع می دهد و بر تفکیک بنیادین رویداد از رخداد اصرار می ورزد همچنان ضد زیبایی شناسیک باقی می ماند. از نظر گیلبرت-رُلف اکنون نمی توان مانند قرن هیجدهم طبیعت را جایگاه امر والا تصور کرد، بلکه بیش از هر چیزی دیگری تکنولوژی بیانگر آن است. تکنولوژی نامحدود است و ما همچنان با آگاهی از عقلانی بودن آن، از ادراک آن ناتوانیم. در این حالت طبیعت بدل به امری محدود و متناهی شده است و امر والا نیازمند بی حد و مرزی تکنولوژی است و ما به حضور تکنو والا پی می بریم. گیلبرت-رُلف ضمن توجه به زیبایی به مثابه عاملی فروپاشنده و سبکسر، خواهان بازخوانی هنر بر حسب آشکارگی زیبایی است. در واقع گیلبرت-رُلف در تحلیل خود از زیبا و والا بار دیگر به تفسیر کانت باز می گردد و معتقد است که کانت نیز آنجایی که زیبایی را رها از ایده و غایت می داند، در واقع به کمال آن نظر دارد و زیبایی به خاطر زنانه بودنش کامل دانسته شده است. کامل

بودن زیبایی تابعی از غیاب نقصان آن است ، این امر به منزله‌ی کلیدی برای استقلال سبکسرانه‌ی زیبایی از گفتمان نیز هست که نیازمند نقصانی است که عقل آن را تکمیل می کند، نقصانی که قابل رفع نیست.

### اهداف و فرضیه:

با توجه به این مقدمه هدف این رساله خوانش دو چهره‌ی متفاوت از امر والای پسامدرن یعنی والای نازیباشناختی و والای زیباشناختی است تا به واسطه‌ی این امر، ضمن بررسی تفسیرهای لیوتار و گیلبرت-رُلف از هنر ، چگونگی رویکرد آنان به آراء کانت و برک نیز مورد توجه قرار گیرد. همچنین ضمن بررسی میزان شباهت ها و تفاوت های نظریات این دو ، به بررسی نقد گیلبرت-رُلف از لیوتار درباره‌ی آثار بارنت نیومن ، نقاش آمریکایی نیز پرداخته می شود. فرض این رساله بر این است که امر والای پسامدرن در هر دو شکل زیبا شناختی و زیبازدای خود، نوعی آشفتگی و اختلال در شیوه های ادراک و فهم را منجر می شود. امر والای زیبازدا ، علی رغم ایجاد آشفتگی ادراکی ، همچنان خود آیین بوده و در خدمت ایده‌ی اخلاقی و غیاب امر غیر قابل عرضه می ماند و در بطن تفکر انتقادی متأملانه جای دارد حال آنکه والای زیباشناختی به واسطه‌ی برقراری ارتباط با زیبای سبکسر، خود آیین -دیگر آیین است چنانکه غیاب امر غیر قابل نمایش را به حضور آشکارگی سپیدی تبدیل می کند.

### پرسشها :

1. آیا می توان معنای والا را حرکتی توأم با انحراف تصور کرد که نامحدود و محدود را پیش فرض یکدیگر قرار می دهد؟

3. والای پسامدرن چه تفاوت‌های عمده ای با والای مدرن دارد؟

2. لیوتار چه تفسیری از امر والا دارد و این تفسیر چه پیامدهایی دارد؟

2. مبانی تفسیر گیلبرت-رُلف از امر والا چه هستند و این تفسیر چه پیامدهایی دارد؟

3. گیلبرت-رُلف از چه منظری به تفسیر لیوتار می نگرد؟

4. خوانش های لیوتار و گیلبرت-رُلف از آراء برک و کانت و آثار بارنت نیومن چه تفاوت ها و شباهت هایی با یکدیگر دارند؟

5. آیا والای زیبایی شناسیک و والای زیبا زدا متفاوت از یکدیگر شیوه های ادراک و فهم را دچار اختلال می کنند؟

7. در هم تنیدگی زیبایی با والا یا تفکیک این دو از یکدیگر، چه تاثیراتی بر دنیای هنر می گذارد؟

### چارچوب رساله:

در این رساله ابتدا معنا و مفهوم ریشه شناسیک والا مورد بررسی قرار می گیرد، سپس در ساحت هایی غیر فلسفی الهیات، هنر و روانکاوی، آشکارگی ساحت دو چهره ی والادر قالب تعالی مذهبی، اهمیت کنش تجسمی و نقش آفرینی میل جستجو می شود. در فصل دوم این رساله، ساحت والا در تعامل با اندیشه ورزی فلسفی مورد بحث قرار می گیرد و گذار والای عینی به والای ذهنی با تأکید بر آراء لُنگینوس، برک و کانت بررسی می شود و در دو فصل باقی مانده نیز به آراء لیوتار و گیلبرت-رُلف درباره ی هنر، زیبایی شناسی، امر والا و ... پرداخته می شود.

### روش تحقیق:

روش تحقیق این رساله نظری و کتابخانه ای است و در برخی موارد نیز از پایگاههای الکترونیکی استفاده شده است. در این رساله حتی الامکان سعی شده که محورهای بحث در وهله ی اول با رجوع به آثار نوشتاری اندیشمندان و هنرمندان کلیدی ذکر شده و سپس شرح ها و مقدمه های معتبر دیگران درباره ی آنها، مورد بررسی قرار گیرند. همچنین در مواردی نیز بر حسب سلیقه ی نگارنده، به نمونه هایی از آثار هنری اشاره شده است.

### سابقه ی مطالعات و تحقیقات پیشین:

در زبان فارسی کتابی که در آن به صورت خاص به معرفی امر والا و تعیین مصادیق هنری آن پرداخته باشد، ملاحظه نشده است، اما در کتب مختلف به اجمال به معرفی آن در قالب مقایسه آن با زیبایی و جایگاه

آن در زیبایی شناسی اشاره شده است. اثر کلاسیک لنگینوس با عنوان *درباب شکوه سخن* (ترجمه‌ی رضا سید حسینی، انتشارات نگاه) به فارسی منتشر شده است. ترجمه‌ی نقد سوم کانت (با نام *نقد قوه‌ی حکم* - عبدالکریم رشیدیان - نشر نی) مهمترین اثری است که در آن تحلیل امر والا از منظر فلسفی صورت پذیرفته است. همچنین در کتاب *دانشنامه‌ی زیبایی شناسی روتلیج* (انتشارات فرهنگستان هنر) مدخلی با عنوان *امر والا* وجود دارد. در کتاب *تاریخ زیبایی امبرتو اکو* (ترجمه‌ی هما بینا - انتشارات فرهنگستان هنر) به صورتی اجمالی به بررسی دیدگاه‌های برک و کانت درباره‌ی امر والا پرداخته شده است. فرهنگنامه‌ی تاریخی مفاهیم فلسفی: جلد اول فلسفه‌ی هنر (تألیف ریتر، گروندر و گابریل، انتشارات انجمن حکمت و فلسفه) از دیگر آثاری است که در مدخلی به بررسی امر والا‌ی مدرن و پیشا مدرن پرداخته است. در بحث از والا‌ی پسامدرن، دیدگاه‌های لیوتار در قالب جستار «پاسخ به پرسش: پسامدرنیسم چیست؟» در مجموعه مکاتبات او با نام *پسامدرنیسم برای بچه‌ها* (ترجمه‌ی آذین حسین زاده - نشر ثالث) آمده است. همچنین این جستار به عنوان ضمیمه‌ای بر اثر مطرح لیوتار با نام *وضعیت پست مدرن: گزارشی درباره دانش* (ترجمه‌ی حسینعلی نوذری، نشر گام نو) به چاپ رسیده است. از جرمی گیلبرت - ژلف هیچ اثری به زبان فارسی موجود نیست و رساله‌ی حاضر، برای نخستین بار به بررسی نظریات او می پردازد. در میان منابع لاتین آثار فراوانی به زیبایی شناسی والا‌ی پسامدرن پرداخته اند، به جز سه اثر کلاسیک لونگینوس، برک و کانت، نمونه‌های ذیل را می توان نام برد که در این تحقیق نیز به آنها مراجعه شده است:

- Benjamin, Andrew. 2003. *Judging Lyotard*, Routledge  
 Beckley, Bill. 2001. *Sticky Sublime*. Skyhorse Publishing Inc,  
 Cazeaux, Clive. 2001. *The Continental Aesthetics Reader*, Routledge  
 Gilbert-Rolfe, Jeremy. 1999. *Beauty And The Contemporary Sublime*. All worth press  
 Lyotard, J.-F, 1994. *Lessons on the Analytic of the Sublime*, trans. E. Rottenberg, Stanford, Calif.: Stanford University Press .  
 Marley, Simon. 2010. *The Sublime*, The MIT Press.  
 Shaw, Phillip. 2006. *The Sublime*, Routledge.